



تاریخ‌نگاری در ایران عصر زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ق)

دکتر علی احمد یاسی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۲

الیاسی، علی احمد، ۱۳۵۷ -
تاریخ‌نگاری در ایران عصر زندیه / علی احمد الیاسی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
هفت، ۴۶۴ ص. : جدول - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۷۰۶: تاریخ اسلام؛ ۱۴۵)
بها: ۳۲۷۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۴۱۹]-۴۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. تاریخ‌نویسی--ایران--تاریخ--قرن ۱۲ ق. ۲. Historiography--Iran--History--18th century. ۳. ایران--تاریخ--
زندیان، ۱۱۶۳-۱۲۰۹ ق. --تاریخ‌نویسی. ۴. Iran -- History -- Zandids, 1750 - 1794 -- Historiography
DSR۱۲۵۹
۹۵۵/۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی
۹۴۰۱۹۴۷



تاریخ‌نگاری در ایران عصر زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ق)

مؤلف: دکتر علی احمد الیاسی

ویراستار: اسماعیل یارمحمدی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۲۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۹۱-۳

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

https://shop.rihu.ac.ir فروشگاه اینترنتی:

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع پژوهشی برای دانشجویان رشته تاریخ و نیز علوم سیاسی و علوم اجتماعی در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری قابل استفاده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب آقای دکتر علی احمد الیاسی و همچنین از ارزیاب محترم، جناب آقای دکتر محمدحسن راز نهران سپاسگزاری کند.

چهار

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۵	کلیات.....
۷	مشکلات پژوهش.....
۱۰	تعریف مفاهیم و متغیرها.....
۱۰	متن تاریخی.....
۱۰	تاریخ‌نگاری.....
۱۰	وقایع‌نگاری.....
۱۱	گونه‌شناسی تاریخ‌نگاری.....
۱۱	بینش تاریخ‌نگارانه.....
۱۲	روش تاریخ‌نگارانه.....
۱۲	تداوم تاریخ‌نگاری.....
۱۲	تحول تاریخ‌نگاری.....
۱۳	پیشینه پژوهش.....
۱۳	الف) پژوهش‌های عمومی.....
۱۵	ب) پژوهش‌های اختصاصی.....
۱۹	حدود و نقطه تمرکز (محدوده زمانی، مکانی و موضوعی پژوهش).....

فصل اول: زندیه، تاریخ، تاریخ‌نگاری و مورخان

۲۱	تاریخ‌نگاری و مورخان در صدر زندیه.....
۲۳	حکومت‌گران زندیه: ضرورت‌ها و الزامات توجه به مورخان و تاریخ‌نگاری.....
۲۹	تاریخ‌نگاری زندیه: گرایش‌ها.....

فصل دوم: تاریخ‌نگاری عمومی عصر زندیه

۳۳	تاریخ‌نگاری عمومی پیشا زندیه.....
----	-----------------------------------

۴۷	تاریخ‌نگاشته‌های عمومی عصر زندیه: روش و بینش.....
۵۱	ذیل نخست وقایع السنین و الاعوام.....
۶۰	ذیل دوم وقایع السنین و الاعوام.....
۶۷	تاریخ عجم به سیاق.....
۷۳	تاریخ عجم به سیاق.....

فصل سوم: تاریخ‌نگاری سلسله‌ای عصر زندیه

۹۳	تاریخ‌نگاری سلسله‌ای پیشازندیه.....
۱۱۲	تاریخ‌نگاری سلسله‌ای عصر زندیه: روش و بینش.....
۱۱۲	تکوین تاریخ‌نگاری سلسله‌ای زندیه.....
۱۱۴	تداوم سنت افشاریه.....
۱۱۴	تاریخ گیتی‌گشا.....
۱۲۸	ذیل عبدالکریم بن علی‌رضا شیرازی.....
۱۳۸	ذیل آقا محمدرضا شیرازی.....
۱۴۴	تاریخ زندیه.....
۱۵۷	تداوم سنت صفوی.....
۱۵۷	گلشن مراد.....
۱۶۹	ذیل گلشن مراد.....
۱۸۳	تحول در تاریخ‌نگاری سلسله‌ای عصر زندیه.....
۱۸۳	تاریخ‌نگاشته‌های داخلی.....
۱۸۳	تذکره آتشکده (پرتو اول در نگارش افکار معاصرین).....
۱۹۵	روزنامه میرزا محمد کلاتر فارس.....
۲۱۴	تاریخ‌نگاشته‌های خارج از ایران: (تاریخ‌نگاری در تبعید).....
۲۱۴	مجموع التواریخ بعد نادریه.....
۲۳۱	ذیل زین العابدین کوهمره‌ای.....
۲۳۹	مجمع التواریخ مرعشی صفوی.....

فصل چهارم: تذکره‌نویسی به مثابه تاریخ‌نگاری

۲۶۱	تذکره‌نویسی پیشا زندیه.....
۲۶۷	تذکره‌نویسی در عصر زندیه: بینش و روش.....
۲۶۸	محافل المؤمنین.....
۲۹۰	تذکره آتشکده آذر.....

فصل پنجم: تاریخ‌نگاری محلی

شش

تاریخ‌نگاری محلی پیشا زندهیه.....	۳۰۳
تاریخ‌نگاری محلی عصر زندهیه: موانع و امکانات.....	۳۰۸
تاریخ‌نگاری محلی عصر زندهیه: روش و بینش.....	۳۱۱
تذکره شوشتر.....	۳۱۱

فصل ششم: تاریخ‌نگاری منظوم

تاریخ‌نگاری منظوم پیشا زندهیه.....	۳۳۷
تاریخ‌نگاری منظوم عصر زندهیه: بینش و روش.....	۳۴۱
مراد نامه (دره التاج).....	۳۴۱

فصل هفتم: تاریخ‌نگاری دینی

تاریخ‌نگاری دینی پیشا زندهیه.....	۳۶۱
تاریخ‌نگاری دینی عصر زندهیه: موانع و امکانات.....	۳۶۶
تکوین تاریخ‌نگاری دینی عصر زندهیه و تداوم سنت پیشین.....	۳۷۱
مُحْرِقِ القلوب: تداوم سنت صفوی.....	۳۷۳
عین البكاء.....	۳۸۲
تحول تاریخ‌نگاری دینی عصر زندهیه.....	۳۸۷
شعشعه ذوالفقار در شرح غزوات حیدر کرار.....	۳۸۸
نتیجه.....	۴۰۷

کتابشناسی

نسخه‌های خطی.....	۴۱۹
متون تاریخی.....	۴۲۱
تحقیقات جدید.....	۴۲۵
مقالات.....	۴۳۲
پایان‌نامه‌ها.....	۴۳۹
تحقیقات خارجی.....	۴۳۹

نمایه‌ها

نمایه اشخاص.....	۴۴۱
نمایه کتاب‌ها.....	۴۵۲

هفت

مقدمه

پژوهش حاضر به بررسی تاریخ‌نگاری ایران در عصر زندیه می‌پردازد. دوره زندیه از ادوار مهم تاریخ‌نگاری ایرانی محسوب می‌شود. تاریخ‌نگاری در این دوره در انواع مختلف تاریخ عمومی، سلسله‌ای، محلی، تذکره‌ای، منظوم و دینی قابل مشاهده است. در این پژوهش روند تداوم و تحول تاریخ‌نگاری در ایران عصر زندیه در پیوند با تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی جامعه ایران مورد بررسی قرار گرفته و مقصود آن است تا تصویر آشکاری از روند تفکر و اندیشه تاریخ‌نگاری مورخان آن دوره ارائه شود.

این پژوهش در یک مقدمه، یک کلیات و هفت فصل سامان یافته است. کلیات در بردارنده مسأله پژوهش، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، اهداف و ضرورت، مفاهیم، پیشینه است. در فصل نخست، نقش حکومت‌گران زندیه در تشویق و ترغیب مورخان، انگیزه‌های آنان، زندگی و خاستگاه شغلی و فکری مورخان مورد توجه قرار گرفته است. فصل دوم: در این فصل تاریخ‌نگاری عمومی در عصر زندیه مورد بررسی قرار گرفته است. البته نخست در مبحثی با عنوان تاریخ‌نگاری عمومی پیشا زندیه با تکیه بر روش و بینش به بررسی اجمالی تکوین تاریخ‌نگاری عمومی در ایران و سپس تکامل و تحول آن در ادوار مختلف تاریخ ایران تا دوره زندیه با تکیه بر روش و بینش مورخان بررسی شده و در ادامه به واکاوی تاریخ‌نگاری عمومی در عصر زندیه پرداخته شده که شامل شناسایی و معرفی مورخان با تکیه بر روش و بینش تاریخ‌نگاری آنان است. به علاوه با تجزیه و تحلیل محتوای تاریخ‌نگارستانه‌های عمومی این عصر، سیر تداوم و تحول آن مورد تأمل قرار گرفته است. در فصل سوم که یکی از مهم‌ترین

فصول این پژوهش به شمار می‌رود، نخست مبحثی با عنوان تاریخ‌نگاری سلسله‌ای پیشا زندیه با تأکید بر روش و بینش مورخان آورده شده، سپس در ادامه با معرفی تاریخ‌نگاشته‌های سلسله‌ای این دوره، ضمن ارائه اطلاعات زندگینامه‌ای مورخان به بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آنان پرداخته شده و آنگاه به تداوم و تحول در تاریخ‌نگاری سلسله‌ای این دوره با توجه به نقش عوامل سیاسی و اجتماعی، نهضت بازگشت ادبی، ضعف اجتماعی نهاد سلطنت و دیگر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر جریان و روند تاریخ‌نگاری توجه شده و سپس چشم‌اندازهای جدید در تاریخ‌نگاری برخی مورخان دوره زندیه به کنکاش گذاشته شده است.

در فصل چهارم به بررسی تداوم و تحول تاریخ‌نگاری تذکره‌ای دوره زندیه پرداخته شده است. ابتدا تاریخ‌نگاری تذکره‌ای پیشا زندیه با تکیه بر روش و بینش تعداد معدودی از مورخان شاخص ارائه شده و در ادامه با معرفی و شناسایی متون تذکره‌ای عصر زندیه با بررسی زندگینامه مورخان، اندیشه‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آنها تجزیه و تحلیل شده است. فصل پنجم بررسی وضعیت تاریخ‌نگاری محلی در دوره زندیه را شامل می‌شود که طبق مرسوم این پژوهش، نخست به تاریخ‌نگاری محلی پیشازندیه با تأکید بر روش و بینش مورخان شاخص هر دوره به شکل اجمال پرداخته شده و در ادامه به بررسی جریان تداوم و تحول در تاریخ‌نگاری محلی عصر زندیه با تأکید بر تذکره شوشتر اقدام شده است. در فصل ششم تداوم و تحول در تاریخ‌نگاری منظوم در عصر زندیه مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدای این فصل نیز نخست به سیر تاریخ‌نگاری منظوم در ایران با تأکید بر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن پرداخته شده و آنگاه به معرفی تاریخ‌نگاشته‌ها و مورخان منظوم‌نگار به گونه‌ای اجمالی اقدام شده و در ادامه به معرفی و شناسایی تنها تاریخ‌نگاشته این دوره پرداخته شده و سیر تداوم و تحول آن به دست داده شده است. فصل هفتم به تاریخ‌نگاری دینی اختصاص یافته است. در این فصل نیز نخست سیر کلی و اجمالی از تاریخ‌نگاشته‌های دینی در ادوار مختلف با تأکید بر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و بینش و روش غالب در این نوع از تاریخ‌نگاشته‌ها به دست داده شده و در ادامه به زمینه‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی تکوین آن در دوره زندیه پرداخته شده و نیز به انواع تاریخ‌نگاشته‌های دینی اشاره شده و آنگاه به بررسی تأثیر گرایش‌های اخباری و اصولی در این زمینه اشاره شده و سپس به معرفی و شناسایی برخی آثار شاخص و مؤلفان آنها

اقدام شده و سیر تداوم و تحول آن به دست داده شده است. سر انجام اینکه در ادامه هم، نتیجه پژوهش ارائه شده و آنگاه فهرست منابع و مأخذ عرضه شده است.

در انجام این پژوهش از راهنمایی‌ها و هم‌فکری‌های اساتید و فرهیختگانی بهره برده شد که بی‌شک بدون کمک و یاری ایشان به سر انجام رساندن این پژوهش میسر نبود. نخست استاد ارجمند جناب آقای دکتر منصور صفت گل که از ابتدای دوره دکتری و در درس تاریخ‌نگاری زمینه‌های شکل‌گیری این موضوع را فراهم ساختند و راهنمایی‌های ارزنده ایشان چراغ راه بنده بود. همچنین از اساتید گرانقدر آقایان دکتر حسن زندیه و دکتر محمدباقر وثوقی کمال تشکر و قدرانی را دارم. به‌ویژه از جناب آقای دکتر حسن زندیه که در خصوص منابع و مأخذ با نظرات دقیق و عالمانه‌ای که در جهت بهبود طرح تحقیق و مباحث ارائه دادند، کمک شایانی در تکمیل و پیشرفت پژوهش حاضر به اینجانب مبذول داشتند.

همچنین از دکتر حسن حضرتی که با گشاده‌رویی طرح تحقیق را مطالعه و رهنمودهایی را به اینجانب ارائه نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنم. از سرکار خانم دکتر شعله کوئین که در خصوص معرفی برخی سایت‌ها و پاره‌ای از مقالات خارجی پژوهش، یاریگر اینجانب بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از مجموعه همکاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای رمضان محمدی که زمینه انتشار این اثر را فراهم نمودند، کمال سپاسگزاری دارم.

با توجه به استفاده از نسخه‌های خطی متعدد در این تحقیق بر خود واجب می‌دانم که از مسئولان بخش نسخ خطی مراکز و کتابخانه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به‌ویژه سرکارخانم حری، کتابخانه و موزه ملی ملک به‌ویژه سرکارخانم جعفری، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مجمع ذخائر اسلامی سپاسگزاری نمایم. در پایان از همسر و فرزندانم که با صبر و بردباری یاری‌گرم بوده و نامهربانی‌های من را با سعه صدر تحمل کردند از صمیم قلب قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

کلیات

این پژوهش درباره تاریخ‌نگاری ایرانی در عصر زندیه است. دوره زمانی پژوهش همان‌گونه که از عنوان این اثر برمی‌آید؛ ایران عصر فرمانروایی زندیه است که در فاصله سال‌های ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۹ ق، در ایران حکمرانی داشتند که شامل یک محدوده زمانی در حدود نیم قرن است. دوره پس از سقوط اصفهان تا تشکیل حکومت قاجاریه عموماً دوره بحران سیاسی و اجتماعی خوانده می‌شود و مورخان آن دوره اصطلاح «انقلاب زمانه» را در توصیف آن به کار گرفته‌اند. این برهه با ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی چند شناخته می‌شود: نخست آنکه عصر کشمکش و ستیزه‌جویی میان مدعیان مختلف بر سر دستیابی به قدرت است که پس از فروپاشی حاکمیت دراز مدت و متمرکز صفوی ایران را در بر گرفته بود و دوره‌ای بحرانی در تاریخ ایران محسوب می‌شود که مسأله مشروعیت حکومت به صورت نوعی بحران سیاسی و اجتماعی در آمده بود. با این همه در فضای جدید و با اینکه دولت صفویان از بین رفته بود، موج صفوی‌گرایی و اقبال مردم به آنان تداوم داشت تا جایی که مدعیان قدرت، انتساب به آنان را از شیوه‌های کسب مشروعیت خود تلقی می‌کردند. مواجهه جامعه ایران با این نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها و حکومت‌های مستعجل در علوم و دانش‌های رایج نیز تأثیر بسزایی بر جای نهاد. از دیگر سوی در این عصر با رکود و افول مقام اجتماعی نظام سلطنت در ایران بعد از صفویان در ساختار قدرت سیاسی در عصر حاکمیت زندیه و یا اینکه دست‌کم در زمان فرمانروایی کریم‌خان زند، گونه‌ای از تغییر در مبانی حاکمیت و مشروعیت آن رخ نمود؛ چنانچه کریم‌خان زند در عرصه نظری و عملی خود را وکیل‌الدوله یا وکیل مردم قلمداد می‌کرده است و

از کاربرد واژه‌های پادشاه و سلطان در عناوین و القاب خویش خودداری می‌ورزید. بدین ترتیب رویکرد نسبتاً متفاوتی از ساختار کهن نظام سلطنت در ایران شکل گرفت که از لحاظ مبانی مشروعیت و تداوم سیاسی از گونه دیگری بود و این مسأله از منظر رویکردهای جدید به تاریخ‌نگاری که آن را در پیوند با قدرت تعریف می‌کنند شایسته مذاقه و بررسی است. از منظر دیگر، دوره زندیه زمانه گذار تاریخ ایران از عصر صفوی به دوره جدید قاجار محسوب می‌شود که در آن عصر به‌رغم تداوم سنت پیشین تاریخ‌نگاری، افق‌های جدیدی نیز در عرصه فعالیت‌های تاریخ‌نگاری گشوده شد که آبشخورهای آن ریشه در عصر زندیه داشت. همچنین از منظر مذهبی نیز جامعه ایرانی عصر زندیه دگرگونی‌ها و تحولات چشمگیری را از سر گذارند که شامل بازگشت به مذهب رسمی (تشیع) در سطح حاکمیت نسبت به دوره‌های حکومت افغان‌ها و افشاریه و برقراری تعامل محدود میان نهادهای سیاسی و مذهبی بود که تولیدهای فکری و متون تاریخی و به ویژه متون تاریخ‌نگاری دینی از آن تأثیر پذیرفت.

از دیگر سوی جامعه ایرانی عصر زندیه در آرامش نسبی دوره کریم‌خان زند در عرصه ادبیات منظوم و منثور، دوره بازگشت ادبی را تجربه کرد که زمینه‌ساز تحولات عمده‌ای در انواع دانش‌های ادبی از حیث ساختار زبانی و شیوه نگارش شد که بی‌گمان این روند نیز در عرصه تولید متون تاریخی تأثیرگذار بود.

مطالعه درباره تاریخ‌نگاری ایرانی در مقایسه با دیگر حوزه‌های بررسی‌های تاریخی با وجود اینکه در سال‌های اخیر به آن توجه شده با فقر شدیدی مواجه است. درباره تاریخ‌نگاری در عصر زندیه تا جایی که نگارنده اطلاع دارد غیر از چند مقاله، پژوهش مستقلی به رشته نگارش در نیامده است و به علاوه بیشتر آنچه تاکنون با عنوان تاریخ‌نگاری در ایران دوره زندیه در کتاب‌ها، مقالات و یا پایان‌نامه‌ها منتشر شده در واقع منبع‌شناسی استتاً بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری. مطالبی نیز که مصححان در مقدمه تألیفات تاریخی این دوره نوشته‌اند، بیشتر به اهمیت ادبی و یا مشخصات ظاهری آن‌ها اختصاص دارد و هیچ‌کدام تحقیق مستقلی که موضوع تاریخ‌نگاری را پی گرفته باشد نیست و آنچه هم در رساله‌های دانشگاهی در ضمن بررسی تاریخ‌نگاری سایر دوره‌ها فراهم شده از این فراتر نرفته است. به همین اعتبار، تاریخ‌نگاری عصر زندیه نیز باید در پیوند با تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران در این دوره مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

کلیات ۷

در این پژوهش تلاش می‌شود؛ روند تاریخ‌نگاری عصر زندیه در بافت و محیط سیاسی و اجتماعی آن دوره با تبیین عوامل مؤثر بر تداوم و تحول آن بررسی و تحلیل شود و تصویر روشنی از تاریخ و تاریخ‌نگاری و تفکر تاریخی و تاریخ‌نگاری مورخان آن دوره به دست داده شود. بنابراین در این نوشتار، مهم‌ترین تألیفات تاریخی این عصر در قالب تواریخ عمومی، سلسله‌ای، تذکره‌نویسی، منظوم، دینی و محلی براساس دو نگرش شکلی و محتوایی با عنایت به سیر زمانی مورد بررسی قرار گرفته که شامل شکل و قالب تاریخ‌نگاری (انواع) و نیز بینش و نگرش تاریخی مورخان است. بدین ترتیب این پژوهش، معرفی متون تاریخی و زندگی‌نامه مورخان نیست؛ بلکه کوششی است تا الگوها، روش و بینش مورخان عصر زندیه در بستر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصرشان در پرتو تاریخ نگاشته‌های آنان شناسانده شود. نتیجه آنکه این پژوهش، تداوم و تحول روند تاریخ‌نگاری ایرانی در عصر زندیه را مشخص خواهد کرد.

براساس توضیحات ارائه شده باید گفت که مسائل اصلی این پژوهش، شناخت تاریخ‌نگاری و جایگاه مورخان عصر زندیه و تجزیه و تحلیل تاریخ نگاشته‌های این دوره است؛ شناختی که مشخص سازد که در ایران عهد زندیه، تاریخ چگونه نوشته می‌شد؟ مورخان، تداوم‌بخش کدام یک از مؤلفه‌های سنت تاریخ‌نگاری پیشین بودند و در ادامه موفق به ایجاد کدام نظرات و طرز نگرش شده‌اند؟ همچنین به منظور شناخت سبک تاریخ‌نگاری این عصر، تاریخ نگاشته‌ها و منابع اصیل آن دوره با تأکید بر شیوه‌ها و فنون تاریخ‌نگاری و اقتباس و گرده‌برداری مورخان از آثار پیشینیان و نیز تاریخ‌نگاری آنها بررسی خواهد شد. اما پاسخ به این پرسش‌ها سخت دشوار است چون که در تحقیقات انجام یافته در زمینه‌های مربوط، این مسائل مورد بی‌توجهی و یا کم‌التفاتی بوده است. انتظار آن است با انجام پژوهش حاضر مؤلفه‌ها و شاخص‌های تاریخ‌نگاری عصر زندیه تشریح شود.

مشکلات پژوهش

انجام پژوهش حاضر همراه با مشکلاتی چند بود که شامل مواردی چون شناسایی منابع تاریخی، فقدان تحقیقات جدید، عدم دسترسی به برخی از منابع که در خارج از کشور

نگهداری می‌شوند، عدم تجدید چاپ منابع منتشر شده و کهنگی و فرسودگی برخی از آنها که بهره‌برداری ممکن را فرو می‌کاست. چالش دیگر، فقدان اجماع نظر میان پژوهشگران در مورد منابع تاریخی این دوره و نیز گستردگی منابع و موضوع مورد پژوهش بود. در مجموع، نگارنده با شرایط جدید و تازه‌ای در عرصه این پژوهش روبرو بوده است. لازم به ذکر است که شناسایی نسخه‌های خطی متعدد منابع تاریخی و تلاش برای شناسایی منابع تاریخی ناشناخته این دوره براساس فهرست‌های نسخ خطی مدت زمان زیادی را به خود اختصاص داد و به جرئت می‌توان گفت که تمام فهرست‌های نسخ خطی مختلف بررسی و جستجو شده است.

پرسش اصلی در پژوهش پیش رو این است که ویژگی‌ها، اصول، مراحل، روش و بینش تاریخ‌نگاری عصر زندیه چگونه بوده است؟

پرسش‌های فرعی این پژوهش نیز به این شرح است:

۱. شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فکری جامعه ایران در دوره زندیه چه بازتابی در متون تاریخی آن عصر یافته است؟

۲. مهم‌ترین ویژگی‌ها و دستاوردهای تاریخ‌نگاری عصر زندیه شامل چه مواردی است؟

۳. تحولات فکری، فرهنگی و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران عصر زندیه چه تأثیری بر تاریخ‌نگاری این دوره بر جای گذاشت؟

۴. تاریخ‌نگاری ایرانی در عصر زندیه از چه الگو یا الگوها، روش و بینشی برخوردار بوده است؟

۵. رابطه میان قدرت سیاسی و تاریخ‌نگاری در عصر زندیه چگونه بوده است؟

۶. جایگاه و پایگاه اجتماعی مورخان در عصر زندیه چگونه بود؟

به علاوه فرضیه اصلی که پژوهش حاضر بر آن استوار شده این است که تاریخ‌نگاری ایرانی در عصر زندیه هم از سنت قدرتمند نگاری پیشین میراث برد و هم از ضرورت‌ها و الزامات زمانه خود تأثیر پذیرفت؛ به این معنا که تاریخ‌نگاری این عصر از جهتی ادامه سنت تاریخ‌نگاری پیشین ایران بود و در واقع تداوم همان سنت پیشین به شمار می‌رفت و همچنین از جهتی نیز تحت تأثیر شرایط و مقتضیات خاص آن دوره، دگرگونی‌هایی در ویژگی‌ها، مراحل و اختصاصات آن ایجاد شد که هم از نظر شکلی (قالب و انواع و سبک و ساختار زبانی) و هم از

نظر محتوایی (بینش و تفکر تاریخی) آن را از سایر ادوار تاریخ‌نگاری ایران از جهاتی متمایز کرده و به نوعی شکاف در تاریخ‌نگاری ایرانی محسوب می‌شود.

فرضیه‌های دیگر پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱. تولید متون تاریخی و فعالیت تاریخ‌نگاری در عصر زندیه تا پایان حکمرانی این خاندان به صورتی متناوب و پیوسته جریان داشته است.
 ۲. از آنجا که متون تاریخ‌نگاری عصر زندیه در زمره تواریخ سیاسی و نظامی قرار می‌گیرند بازتاب مسائل اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی جامعه در آنها کم‌رنگ است.
 ۳. تاریخ‌نگاری عصر زندیه به‌عنوان بخشی از جریان فرهنگی آن زمان از دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و به تبع آن تحولات فکری و فرهنگی تأثیر پذیرفته است.
 ۴. به نظر می‌رسد تاریخ‌نگاری ایران در عصر زندیه از نقطه‌نظر ویژگی‌ها، روش و بینش ادامه سنت پیشین تاریخ‌نگاری ایران است.
 ۵. فرمانروایان زندیه بنا به علائق شخصی و نیز ضرورت‌ها و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی به تاریخ و تاریخ‌نگاری اقبال نشان دادند.
 ۶. در عصر زندیه طیف وسیعی از مورخان با خاستگاه‌های مختلف اجتماعی و با انگیزه‌های متفاوت و بعضاً مشترک به ثبت و ضبط رویدادها پرداختند.
- در این پژوهش با عنایت به ماهیت چندبعدی آن از روش‌های گوناگونی متناسب با موضوع استفاده شد. در تحلیل تاریخ‌نگاشته‌ها، روش مناسب آن بود که اهداف، تمایلات، ارزش‌ها، اولویت‌ها، تجربیات، تحصیلات، مدل‌ها، تعصبات، نمونه‌ها و برداشت مورخان نسبت به کار تاریخ‌نگاری و همه آنچه که در گرایش آنها به سوی بررسی فعالیت تاریخ‌نگاری و خلق آثار تأثیرگذار بوده باید به خوبی شناخته شود. برای رسیدن به چنین معرفتی لازم است اهداف و نیات مؤلفان از آفرینش آثارشان و نیز فضای گفتمانی و ارتباطی که متون در آن خلق شده‌اند، شناسایی و بازسازی شود و به علاوه نباید مشکلات و علایق سیاسی و زبانی و مفاهیم رایج و نیز سنت حاکم بر روابط و ملاحظات سیاسی و اجتماعی زمانه مؤلفان را از نظر دور داشت و سرانجام اینکه به بررسی و تحلیل ارجاعات در تاریخ‌نگاشته‌ها پرداخته شود چون که آنها نشانگر تأثیرپذیری و یا تأثیرگذاری در میان مورخان با نسل‌های پیشین و پسین هستند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

متن تاریخی

تجلی مکتوب رخدادهای گذشته به صورتی که در بردارنده ذهنیت و ادراک تاریخی باشد متن تاریخی نامیده می‌شود.

تاریخ‌نگاری

در این پژوهش منظور از تاریخ‌نگاری، فرایند نگارش هدفمندانه آثار تاریخی به دست یک مورخ است که منجر به پیدایش متنی تاریخی شده است. به بیان دیگر، تاریخ‌نگاری انعکاس زبانی ادراک تاریخی هر مورخ است. در این تعریف، عنصر اصلی تاریخ‌نگاری را مورخ تشکیل می‌دهد و شخصیت، جایگاه و مواضع فکری و اجتماعی و عقیدتی مورخ پیوند بسیار محکمی با فعالیت تاریخ‌نگاری وی پیدا می‌کند.^۱

به عبارت دیگر، تاریخ‌نگاری رویکردی علمی به داده‌های تاریخی است که تاریخ‌نگار مبتنی بر دانش تاریخ و اصول نقد گزاره‌های تاریخی که در این دانش تبیین شده، به توصیف و حتی تحلیل آنها می‌پردازد. براین اساس می‌توان گفت تاریخ‌نگار در گزارش تاریخ به دو شکل عمل می‌کند. در مرحله نخست، داده‌های تاریخی را براساس اسلوب‌های نقد گزارش‌های تاریخی مورد بررسی قرار داده و آنها را به *fact* (گزارش واقعه قریب به امر واقع) تبدیل می‌کند. در مرحله دوم، تاریخ‌نگار اگر قائل به تحلیل گزارش تاریخی باشد، آن را براساس عقل تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.^۲

وقایع‌نگاری

وقایع‌نگاری ثبت رویدادهای تاریخی به وسیله برخی شاهدان عینی است. ارزش و اعتبار این ثبت هم‌ریشه در مشاهدات عینی شاهدان دارد، مزیتی که شاهدان دارند و دیگران از آن

۱. حضرتی، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۷۷-۸۴.

۲. همو، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی (با تأکید بر اصول و قواعد رساله نویسی)، ص ۴۷.

برخوردار نیستند. بنابر این الزاماً وقایع نگار، فردی آشنا به علم تاریخ نیست. او می‌تواند کسی باشد که اساساً علقه‌ای هم به تاریخ نداشته باشد؛ اما وقایع نگاری او به سبب برخورداری از امتیاز مشاهده مستقیم رویداد، حائز اهمیت است.^۱

گونه‌شناسی تاریخ نگاری

شکل تاریخ نگاری به شیوه‌های بیان مطالب تاریخی و به اصطلاح رویناهایی که روح تاریخ نگاری در قالب آن به تحریر درمی‌آید اشاره دارد هر چند میان محتوا و شکل تاریخ نگاری ارتباط وجود دارد و هر محتوایی را نمی‌توان در هر شکل و هر مظهری جای داد؛ اما در مقایسه با انواع آن می‌توان از تنوع و تعدد شکلی بیشتری در تاریخ نگاری سخن گفت. با در نظر داشتن سیر تحولات تاریخی ملل مختلف و شیوه‌های نگارش تاریخ در میان آنها و به‌ویژه آنچه که در تاریخ نگاری اسلامی نمود پیدا کرده است، می‌توان اشکال گوناگونی را در تاریخ نگاری برشمرد. از این رهگذر، مهم‌ترین اشکال تاریخ نگاری عبارتند از: تاریخ نگاری‌های موضوعی، تاریخ نگاری‌های سلسله‌ای (دودمانی)، محلی، شهرها، طبقات و رجال، مزارات و وفیات و مهم‌تر از همه تاریخ نگاری‌های عمومی و جهانی. تمامی این اشکال تاریخ نگاری را می‌توان در سه شکل کلی تاریخ نگاری موضوعی، تاریخ نگاری عمومی و تاریخ نگاری جهانی خلاصه کرد.^۲

بینش تاریخ نگارانه

مراد از مفهوم بینش در مطالعات تاریخ تاریخ نگارانه عبارت است از مجموع رویکردهای معرفت‌شناسانه (در حوزه چستی تاریخ، فایده و هدف آن) شریعت‌مدارانه (نگاه دین باورانه به

۱. همان، ص ۴۶؛ قائم مقامی، روش تحقیق در تاریخ نگاری، ص ۶-۸.
 ۲. میثمی، تاریخ نگاری فارسی (سامانیان، غزنویان، سلجوقیان)، ص ۱۷-۲۳؛ آئینه وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۶۶ برای آگاهی بیشتر درباره اشکال تاریخ نگاری ر. ک: رضوی، «تاریخ نگاری اسلامی- ایرانی و جایگاه تاریخ نگاری جهانی جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری»: مجموعه مقالات و گفتگوهای کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ج ۱، ص ۴۱۲، ۴۱۳.

تاریخ در زمینه تحلیل، تعلیل و تبیین رویدادها)، هویت‌گرایانه (دیدگاه‌های مورخ در خصوص عناصر سازنده هویت جمعی و فردی)، علی و انتقادگرایانه (رویکرد علی و معلولی به تاریخ داشتن) و بینش اجتماعی محورانه (محوریت داشتن موضوعات اجتماعی در کنار موضوعات سیاسی و نظامی در منظومه فکری تاریخ‌نگار) در منظومه فکری تاریخ‌نگاران است.^۱

روش تاریخ‌نگارانه

روش در تاریخ‌نگاری، ناظر به روش‌ها و شیوه‌هایی است که تاریخ‌نگاران به منظور خلق آثار تاریخ‌نگارانه خویش برای ثبت رویدادهای معاصر با خودشان و دیگر رویدادهای دور به کار می‌گرفتند. به عبارت دیگر روش، ناظر بر چگونگی روایت رویدادهای مختلف از سوی تاریخ‌نگاران است.^۲

روش توصیفی-تحلیلی: در این روش تلاش بر آن است تا افزون بر بازسازی ویژگی‌ها و وضعیت موجود موضوع و مسأله به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت موضوع و ابعاد آن پرداخته شود.

تداوم تاریخ‌نگاری

منظور از تداوم، پیوستگی و استمرار است؛ به این معنا که پیش از عصر زندیه، فعالیت تاریخ‌نگاری به زبان فارسی رایج بوده (تاریخ‌نگاری پیشا زندیه) و مورخان عصر زندیه ادامه دهنده این فرایند بوده‌اند. در واقع تداوم و تحول از مفاهیم اساسی تاریخ محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان تحول در تداوم را ویژگی اصلی تاریخ دانست.

تحول تاریخ‌نگاری

تحول در فرهنگ لغت به معنای دگرگونی و تغییر یافتن است. در پژوهش حاضر، مفهوم تحول

۱. رضوی، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری اسلامی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱۴-۱۱۵،

ص ۲۲-۳۳.

۲. همان، ص ۳۳-۴۱.

از دریچه دگرگونی‌ها و نوآوری‌هایی که در فعالیت‌های تاریخ‌نگارانه عصر زندیه از جهت روش و بینش تاریخی بروز یافته دیده شده است. در عین حال باید در نظر داشت، قضاوت درباره موضوعات تاریخی از یک مورخ به مورخ دیگر و از زمان و مکانی خاص به شرایط متفاوت؛ اصولاً در بردارنده دیدگاه‌ها و حتی روایت‌های متفاوت است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی جامع درباره سیر تحولات تاریخ‌نگاری ایران در روزگار فرمانروایی زندیه صورت نگرفته، و ادبیات پژوهشی و تحقیقی در این زمینه ناچیز است. به علاوه پژوهش‌های انجام شده از نقطه نظر کمی و کیفی دامنه وسیع و فراخی را دربر نمی‌گیرد و به جرئت می‌توان پژوهش‌های سامان‌یافته در این زمینه را انگشت شمار قلمداد نمود. با تمام این اوصاف، ادبیات پژوهشی موجود در این زمینه را می‌توان در دو دسته تفکیک و تقسیم‌بندی نمود:

الف) پژوهش‌های عمومی

پژوهش‌هایی که به گونه‌ای عمومی به موضوع تاریخ‌نگاری در ایران پرداخته‌اند و در خلال مباحث خود به تاریخ‌نگاری ایرانی در عصر زندیه نیز به گونه‌ای اجمالی عنایت ورزیده و در این نگاه و بذل توجه از شناخت کلی و عمومی پا را فراتر ننهاده‌اند. از نمونه‌های چنین رویکردی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: آژند در کتاب تاریخ‌نگاری در ایران در مقاله‌ای با عنوان تاریخ‌نگاری دوره افشاریه و زندیه به گونه‌ای مجمل و در سطح ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی به تاریخ‌نگاری عصر زندیه پرداخته‌اند. به علاوه در کتاب تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان تألیف میرجعفری و آشوری‌نژاد به تاریخ‌نگاری دوره زندیه در چند سطر، اشاره‌ای گذرا شده و حتی اطلاعات کتاب‌شناختی کاملی را از متون تاریخی آن دوره به دست نداده است. در دانشنامه جهان اسلام در ذیل مدخل تاریخ‌نگاری در ایران، به تاریخ‌نگاری روزگار زندیه به گونه‌ای نسبتاً مبسوط‌تر در حد معرفی و شناسایی منابع تاریخی این دوره اقدام شده است. همچنین در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز مطالبی در موضوع تاریخ‌نگاری عصر زندیه به طور خلاصه گنجانده شده است. به علاوه بیات در اثر خویش موسوم به شناسایی منابع و

مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا مشروطه، مباحثی چند را با موضوعیت منابع و مآخذ تاریخ ایران در عصر زندیه مطرح ساخته که از چهارچوب سنتی مباحث کتاب شناختی و زندگینامه‌ای معمول، فراتر نرفته است. همچنین زرین کوب در نگاشته تاریخی خویش به نام تاریخ ایران بعد از اسلام ضمن ارائه فصلی با عنوان «در باب مآخذ و نقد آنها»، مطالبی چند نیز درباره منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره زندیه را به نگارش در آورده است.

از پژوهش‌های خارجی نیز نباید چشم‌پوشی شود. نخستین تحقیقات راجع به منابع و مآخذ دوره زندیه در کتاب چالرز ریو دیده می‌شود. وی به معرفی و شناسایی برخی از منابع و متون تاریخی این دوره پرداخته است. تنها جنبه مهم کار وی اشاره به برخی از منابع این دوره است که در خارج از کشور نگه‌داری می‌شوند.^۱ دایرةالمعارف ایرانی‌کانیز به جهت اشمال بر پاره‌ای از مقاله‌ها درباره برخی منابع و مورخان دوره زندیه حائز اهمیت است؛ البته مقاله‌های ارائه شده از سطح معرفی و شنایی منابع و ارائه اطلاعات زندگینامه‌ای مورخان فراتر نرفته؛ اما پژوهش جدی‌تر در این زمینه را ارن ارنست تاگر در کتاب «*Persian historiography*» در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری در قرون هیجدهم و نوزدهم» انجام داده است.^۲ وی در این پژوهش از زاویه متفاوت‌تری به موضوع تاریخ‌نگاری نگریسته است. وی ادبیات تاریخی را روزنه‌ای به جنبه‌های مختلف زندگی فکری ایرانیان دانسته که نه تنها به رخدادهای زندگی می‌پردازد بلکه به ذهنیت و انتظارات مردم، نحوه انتقال دانش و نقش سیاسی و اجتماعی تاریخ در فرهنگ ایرانی نیز پرداخته است.^۳ در این مقاله وی به شاخصه‌هایی همچون ژانر، سبک و زبان، محتوای آثار، حامی یا حامیان آثار، مخاطب، نویسنده، هدف از نگارش و کاربرد منابع، سازماندهی محتوای آثار، حوزه مورد بررسی و تأثیرپذیری آنها از مورخان پیشین پرداخته است. چند نکته درباره اثر تاگر قابل تأمل است؛ نخست اینکه وی بسیار مختصر و در یک مقاله به

1. Rieu, Charles, *catalogue of Persian manussriptions* the British museum, London, 1879.

2. Melville, Charles, "*Persian historiography*", (a history of Persian Literature, x), general editor Ehsan Yarshater. sponsored by heritage Foundation (Newyork), and center for Iranian studies unirersity, London, NewYork, I.B Tauris, 1988.

3. Melville, *Ibid*, 38.

تاریخ‌نگاری عصر زندیه از زاویه برخی از شاخص‌های پیش‌گفته پرداخته است و دیگر آنکه پژوهش وی به بررسی چند اثر تاریخی این دوره محدود مانده و دست آخر اینکه وی فقط به تاریخ‌نگاری سلسله‌ای عصر زندیه بسنده کرده و از دیگر انواع آن چشم‌پوشی کرده است. نکته مهم در پژوهش تاکر، تمرکز وی بر انعکاس ضعف نهاد سلطنت در تاریخ‌نگاری این دوره و به دست دادن نکاتی در زمینه الگو برداری مورخان دوره زندیه از مورخان عصر صفوی و افشاری است. گفتنی است که تاکر در مقایسه با دیگر پژوهشگران، با تفصیل بیشتری به شرح و بسط تاریخ‌نگاری ایرانی در دوره زندیه پرداخته و ۲۲ صفحه از اثرش را به آن اختصاص داده است. وی معتقد است که وقایع‌نگاری‌های دوره زندیه از نظر تکنیک، زبان و روش ادامه تاریخ‌نگاری ایرانی عصر صفوی است. ناگفته نماند که تاکر در پژوهش خویش بیشتر به تاریخ‌نگاری دوره افشاریه پرداخته و تأثیر و تأثر تغییرات و تحولات سیاسی و کمتر اجتماعی عصر افشاریه را بر تاریخ‌نگاری آن دوره بیان کرده است.^۱

ب) پژوهش‌های اختصاصی

مراد از پژوهش‌های اختصاصی آن دسته از تحقیقات است که به طور خاص به تاریخ‌نگاری ایران در عصر زندیه پرداخته‌اند؛ البته گفتنی است که متأسفانه هیچ‌گونه اثر مکتوب کتاب‌نگارانه مستقلی در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است. در این مورد، تنها می‌توان به پاره‌ای مطالب در باب تاریخ‌نگاری عصر زندیه اشاره کرد که پاره‌ای از پژوهشگران در ضمن تألیفات دیگر که با موضوعیت تاریخ ایران در روزگار زندیه بوده گنجانده‌اند. از این دست نویسندگان می‌توان به ورهرام اشاره نمود که در پژوهش خویش موسوم به تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زندی در مبحثی تحت عنوان منابع و مآخذ تاریخ ایران در عصر زندیان، ضمن ارائه تقسیم‌بندی سه‌گانه از منابع دوره زندیه آگاهی‌های کتاب‌شناسی و زندگی‌نامه‌ای متون تاریخی آن دوره را به سبک رایج به دست داده که به گونه‌ای تکرار مطالب قبلی در این زمینه است که همین نویسنده در دیگر نگاهش‌اش موسوم به منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی عرضه کرده است. ناروند در

1. Ibid, 258–291.

اثر تحقیقاتی خود با عنوان غروب خاندان زند؛ کشمکش‌های نظامی و سیاسی جانشینان کریم‌خان زند (۱۱۹۳-۱۲۰۹ق) در مبحثی با عنوان «بررسی منابع و مآخذ تاریخی دوره زندیه» به بررسی و معرفی منابع تاریخی این دوره پرداخته است. البته وی فقط به ارائه مطالب زندگینامه‌ای و نسخه‌شناسی پرداخته و از ورود به مباحث تاریخ‌نگاری بازمانده است. نباید از پژوهش جان‌پری با عنوان «بررسی و ارزیابی منابع» در اثر تحقیقی وی تحت عنوان «کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۴۷-۱۷۷۹ق» نیز غافل ماند. وی در این پژوهش ضمن معرفی و شناسایی منابع تاریخ ایران در عصر زندیه به بررسی جنبه‌های زیست‌نامه نگارانه و محتواشناسانه و نسخه‌شناسی منابع این دوره پرداخته است. از نکات مهم پژوهش وی، مقایسه‌هایی است که او در باب صحت و سقم گزارش‌های این منابع انجام داده؛ اما او نیز از ورود به مباحث نظری تاریخ و تاریخ‌نگاری بازمانده است. مصححان منابع تاریخ ایران در عصر زندیه نیز در مقدمه‌هایی که بر آثار و متون تاریخی این دوره نگاشته‌اند برخی اطلاعات کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و زندگینامه‌ای را عرضه کرده‌اند که در جای خویش به آنها پرداخته خواهد شد.

در ضمن از مقالات انگشت‌شماری نیز که در این زمینه نگارش یافته موارد زیر شایسته تأمل است: شایسته در مقاله خویش با عنوان، «تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند» در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا به معرفی این اثر پرداخته^۱ و همچنین وی در مقاله دیگری، تحت عنوان «گلشن مراد» در همان نشریه به معرفی و شناساندن این اثر اقدام کرده است.^۲ به علاوه هدایتی در پژوهش خویش با عنوان «مختصری در باره وقایع‌نگاری و نسخ خطی فارسی مربوط به قرن دوازدهم هجری» که در مجله دانشکده ادبیات تهران در سال ۱۳۳۳ ش، به چاپ رسیده آگاهی‌های بالنسبه مبسوطی را در این زمینه مطرح کرده،^۳ همچنین هاشم‌زاده محمدیه در مقاله‌ای تحت عنوان نکاتی درباره دو وقایع‌نگاری مهم دوره زندیه اطلاعاتی را ارائه کرده است.^۴

۱. شایسته، «تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال چهارم، شماره ۸، ۹.

۲. همو؛ «نگاهی به کتاب گلشن مراد»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال چهارم، شماره ۶، ۷.

۳. هدایتی، «مختصری درباره وقایع‌نگاری‌ها و نسخ خطی فارسی مربوط به تاریخ قرن دوازدهم هجری»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۳۳.

۴. هاشم‌زاده محمدیه، «نکاتی درباره دو وقایع‌نگاری مهم دوره زندیه»، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، ۱۳۸۹.

در عرصه تحقیقات پایان‌نامه‌ای هم هیچ‌گونه اثری در این موضوع به رشته تحریر در نیامده و فقط در خلال بررسی سایر دوره‌های تاریخی گاهی توجه اندکی به آن شده که از آن جمله می‌توان به رساله حاجی‌زاده تحت عنوان تاریخ‌نگاری میرزا مهدی خان استرآبادی و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری در دوره‌های زندیه و متقدم قاجار در دانشگاه الزهراء^۱ اشاره کرد. همچنین که از عنوان اثر وی برمی‌آید موضوع آن تاریخ‌نگاری استرآبادی و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری دوره‌های زندیه و متقدم قاجار است؛ اما نویسنده در پژوهش خویش آنچنان که انتظار می‌رود به تأثیر تاریخ‌نگاری استرآبادی بر دوره‌های زندیه و متقدم قاجار پرداخته و فقط به مقایسه و تطبیق دو نمونه از متون تاریخی آن ادوار بسنده کرده و بیشتر مباحث آن پیرامون آبخورهای تاریخ‌نگاری استرآبادی در ادوار گذشته است.

همچنین می‌توان به رساله نخست؛ تحت عنوان بررسی جریان سقوط در تاریخ‌نگاری ایران از سقوط اصفهان تا ظهور قاجار اشاره کرد^۲ که نویسنده در فصل ششم پژوهش خود با عنوان رویکرد مورخان و محققان به سقوط سلسله زندیه، دیدگاه‌ها و رویکردهای مورخان عصر زندیه نسبت به افول این سلسله را ارائه داده است. بالاخره اینکه سالاری شادی در رساله دکترای خویش با عنوان سیر تاریخ‌نگاری به زبان فارسی در ایران از آغاز تا پایان عصر ناصری^۳ در فصل نهم به بررسی تاریخ‌نگاری افشاریه و زندیه پرداخته، این پژوهش به‌رغم ادعای مؤلف بیشتر منبع‌شناسی تاریخ‌نگاری عصر زندیه است و تنها نکته قابل تأمل در این پژوهش بررسی دیدگاه‌های برخی از مورخان آن دوره در باب علت‌شناسی سقوط صفویان است. وی بر این نکته تأکید کرده که آنها نیز موضوع سقوط را با توسل به اندیشه مشیت‌گرایی و تقدیرباوری تبیین کرده‌اند. البته گفتنی است که وی نیز فقط به دو یا سه اثر از عصر زندیه اشاره کرده است. دست آخر اینکه باید از پایان نامه جمیانی با عنوان روایت جنگ در تاریخ‌نگاری دوره زندیه

۱. حاجی‌زاده، تاریخ‌نگاری میرزا مهدی خان استرآبادی و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری در دوره‌های زندیه و متقدم قاجار، دانشگاه الزهراء^۱، ۱۳۸۳.

۲. نخست، بررسی جریان سقوط در تاریخ‌نگاری ایران از سقوط اصفهان تا ظهور قاجار، دانشگاه الزهراء^۱، ۱۳۸۷.

۳. سالاری شادی، سیر تاریخ‌نگاری به زبان فارسی در ایران از آغاز تا پایان عصر ناصری، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۳.

یاد کرد.^۱ این اثر بررسی تاریخ‌نگاری عصر زندیه نیست؛ اما مؤلف با عنایت به ماهیت پژوهش خویش در برخی موارد به تناسب موضوع به برخی از مباحث تاریخ‌نگاری اشاراتی کرده؛ چنانچه در مبحث «چگونگی دسترسی مورخ به اطلاعات مربوط به جنگ‌ها» به بعضی از منابع کسب اطلاعات مورخان اشاره‌های کلی کرده و در ضمن آن به پاره‌ای از محدودیت‌ها و موانع مورخان برای دسترسی به اطلاعات نظامی یاد کرده است.^۲ نکته دیگر آنکه نویسنده به پاره‌ای از اختصاصات تاریخ‌نگاری این دوره همچون، مشیت‌باوری و تقدیرگرایی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، غلبه رویکرد سیاسی و نظامی، اثبات حقانیت سیاسی حکومت‌گران، سلطنت‌محوری و نخبه‌گرایی اشاره کرده و بدین ترتیب بخشی از اختصاصات تاریخ‌نگاری این دوره را برشمرده است. اشاره نویسنده به برخی از اهداف و انگیزه‌های مورخان همچون مشروعیت بخشی به حکومت‌گران عصر و انعکاس منابع مشروعیت در آثار آنها از دیگر موضوعات قابل توجه در این اثر است. وی در این زمینه به مواردی همچون همانندسازی با پادشاهان اسطوره‌ای و باستانی ایران، مشروعیت مغولی - تیموری و دینی - مذهبی اشاره کرده؛ اما آگاهی‌هایی که در این زمینه ارائه کرده جامع و مانع نیست. برای نمونه وی از برخی منابع دیگر مشروعیت حکومت‌گران زندیه همانند انتساب به صفویان و انعکاس عملکرد و اقدامات سیاسی و اجتماعی فرمانروایان آن سلسله سخنی نگفته است.

البته انتقادات ذیل نیز بر اثر وی وارد است: نخست آنکه مؤلف فهرست جامع و مانعی از منابع تاریخی این دوره ارائه نکرده، بنابراین پاره‌ای از متون تاریخی همچون ذیل‌های تاریخ گیتی‌گشا، ذیل گلستانه و ذیل‌های وقایع‌السنین و الاعوام را از قلم انداخته است. هم‌چنین وی ذیل گلشن مراد را عملاً نادیده انگاشته آن را با گلشن مراد یکی پنداشته است. دیگر آنکه نویسنده در پژوهش خویش فقط به منابع شناخته شده این دوره بسنده کرده است. به علاوه وی برخی از منابع تاریخی دوره قاجاری همچون تجربه‌الاحرار و تسلية الاحرار را از منابع تاریخی دوره زندیه برشمرده است.^۳ پاره‌ای اظهار نظرهای کلی و فراگیر درباره اختصاصات و

۱. سید محمد جمیانی، روایت جنگ در تاریخ‌نگاری دوره زندیه، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

۲. همان، ص ۶۱-۹۲.

۳. همان، ص ۲۰.

کلیات ۱۹

شاخصه‌های تاریخ‌نگاری عصر زندیه از دیگر موارد قابل نقد این اثر است. برای نمونه مؤلف، منابع تاریخی این دوره را دارای رویکرد سیاسی و نظامی صرف قلمداد نموده است.

حدود و نقطه تمرکز (محدوده زمانی، مکانی و موضوعی پژوهش)

محدوده مکانی این پژوهش قلمرو جغرافیایی ایران عصر زندیه و نیز حتی مناطقی خارج از قلمرو آنان را در بر دارد که در آنجا آثاری با موضوعیت این پژوهش به نگارش در آمده است. محدوده زمانی آن نیز روزگار فرمانروایی خاندان زندیه یعنی فاصله زمانی سال‌های (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ق) را در بر دارد. و از نقطه نظر پژوهشی تاریخ‌نگاری ایرانی در روزگار زندیه را در بر می‌گیرد.

فصل اول

زندیه، تاریخ، تاریخ‌نگاری و مورخان

تاریخ‌نگاری و مورخان در صدر زندیه

جهانگردی اروپایی به نام ویلیام فرانکلین^۱ پس از سال‌ها سیر و سیاحت در شرق، سرانجام به شهر شیراز رفت و به دربار زندیه راه یافت. وی اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی از جامعه دوره زندیه در سفرنامه‌اش نگاشته؛ از جمله درباره سرنوشت فرد تاریخ‌نگاری در روزگار کریم‌خان زند گزارشی ارائه داده که جلوه‌ای از سیمای عمومی تاریخ‌نگاری عصر زندیه را منعکس می‌کند. او در این زمینه چنین نگاشته: «در زمان حیات این شهریار، مردی از اهالی شیراز، تاریخ عصر خود را به رشته تحریر کشید؛ اما کریم خان اگرچه در دیگر امور گشاده دست و بخشنده بود، به نوشته او بهایی نداد و تنها دستور داد به پاداش کار او هدیه‌ای ناچیز به وی دهند. نویسنده آزرده خاطر شد و به اصفهان رفت و از آن پس نیز نخواست نوشته خود را در اختیار کسی قرار دهد. او خواهش مکرر و مصرانه دوستان نزدیک خود را برای انتشار دست نوشته رد کرد و به نظر نمی‌رسد که پیش از مرگ نویسنده بتوان به آن دست یافت. این امر جای بسی تأسف است، زیرا در شیراز از کسان بسیاری که اثر او را دیده بودند، شنیده‌ام که آن اثر، تاریخی دقیق و قابل اعتماد بوده است. از آن پس نیز کسی در این راه کوششی نکرده است.»^۲

1. William Francklin

2. Francklin, William. *observation made on a tour from Bengal to Persia in the years 1787-1789* London, 1790, p. 296, 295

فرانکلین، مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۶-۱۷۸۷م، ترجمه محسن جاویدان، ص ۲۵۴-۲۵۵.

باید توجه داشت که این تمام داستان تاریخ‌نگاری ایران در روزگار زندیه نیست. تاریخ‌نگاری در این دوره قصه دیگری نیز دارد. بعدها با عنایت کریم‌خان زند و برخی دیگر از فرمانروایان زندیه به مورخان و تاریخ‌نگاری، داستان دیگری نیز رقم خورد. عصر زندیه در تاریخ ایران جایگاهی ویژه و متفاوت دارد. تاریخ‌نگاری آن عصر نیز ویژه و متفاوت است. از حیث کمی، آثار تاریخ‌نگاری عصر زندیه در مقایسه با سایر دوره‌های تاریخ ایران در جایگاه پایین‌تری قرار دارد. از نظر کیفی نیز تاریخ‌نگاری این عصر جریانی متفاوت از تاریخ‌نگاری ایرانی است. تاریخ‌نگاری در این دوره، همانند ادوار دیگر با علائق شخصی فرمانروایان، ضرورت‌ها و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، اقتدار و تمرکز سیاسی حکومت وابستگی تام داشت. اساساً چنین دلبستگی‌هایی در اغلب دودمان‌ها و سلسله‌های حکومتگر ایرانی وجود داشته است.

حکومت‌گران زندیه در آغاز تمایل و علاقه چندانی به تاریخ و تاریخ‌نگاری نداشتند. منابع دوره زندیه از گرایش و تمایل فرمانروایان زندیه از جمله کریم‌خان به تاریخ و تاریخ‌نگاری خبری نداده‌اند؛ اما او بعدها با تثبیت قدرتش در شیراز منصب وقایع‌نگاری دوره صفویه را دوباره احیا کرد. بنابراین تاریخ‌نگاری در دوره زندیه با شکل‌گیری و توسعه این سلسله شکل نگرفت؛ زیرا نخستین اثر تاریخی، درست در دهه دوم فرمانروایی کریم‌خان زند به نگارش درآمد. پدید آورنده این اثر، مورخی است به نام نامی اصفهانی، وی پیش از آنکه مورخ باشد شاعر بود و منشی. منابع داخلی این عصر درباره میزان علاقه فرمانروای زندیه به تاریخ صحبتی به میان نیاورده‌اند. به نظر می‌رسد ضرورت‌های زمانه در علائق شخصی و سنتی افراد تغییر ایجاد می‌کنند. سایه مشروعیت حکومت صفویه بر تمام دوران فرمانروایی کریم‌خان زند سایه افکنده بود. وی در دهه اول حکومتش، موقعیتی خطیر و شکننده در میان سایر مدعیان پرشمار تجربه کرد، بنابراین نه فرصت و نه تجربه کافی برای پرداختن به تاریخ‌نگاری را به دست نیاورد. خان زند با پیروزی بر مدعیان مختلف و قدرتمند و سپس تثبیت قدرت و استقرار در شیراز، گام‌های اولیه را برای تکوین تاریخ‌نگاری زندیه برداشت. بنابراین در دوره وی، زمینه‌های تدوین و نگارش آثار ارزشمند و ظهور تئو چند از مورخان زندیه فراهم شد؛ اما در دوره جانشینان او بود که تاریخ‌نگاری به صورت نظام‌مند و اصولی شکل گرفت.

همان‌طور که اشاره شد در دوره فرمانروایی زندیه دو نوع رویکرد به تاریخ، تاریخ‌نگاری و